



شادروان محمدرضا ملا حسنی

## It's three letters, But more than enough to keep me company and happy GOD

توی بازی زندگی، موقع یار کشی، چه خوبه آدم بگه: من و خدا، شما همه



با سلام و احترام

### چقدر سخته که بخوای نبودن کسانی رو باور کنی که عمری رو با اونها سپری کردی

یک سال گذشته ، برای خانواده ما سال سختی بود. دو تن از عزیزان فامیل ما را ترک کردند . ابتدا عمه عزیز و مهربان، ما را ترک گفت و سپس عموی عزیز. در اطراف ما افراد بسیاری وجود دارند که با این که معلم نیستند اما رفتار و منش آنها الگوی رفتاری ما می تواند باشد مرحوم محمد رضا و مرحومه فاطمه ملاحسنی از جمله این افراد بودند:

مهربان و دوست داشتنی و همیشه خندان بودند و لبخند بر لب داشتند . بسیار زودگذشت و کریم بودند. از کینه‌ورزی نسبت به اشخاص بدور بودند. در کار کسی دخالت نمی کردند. خوش‌بین، خوش برخورد و خوش اخلاق بودند. به همه عشق می‌ورزیدند و با مردم می‌جوشیدند. راستی و صداقت سرلوحه زندگی شان بود و دروغ نمی گفتند و اعتقاد داشتند زمانی که می توان راست گفت چرا دروغ؟ شاید باورتان نشود اما عمه فاطمه مهربان آن قدر ، دل پاکی داشت که همیشه وقایع را در خواب می دید و این را همه فامیل می دانند و بارها تجربه کرده بودند. خدایش رحمت کند انسان شریفی بود.

### نقش هستی ساز باید نقش برجا ماندنی تا چو جان خود جهان هم جاودان دارد تو را

باورش سخت و دردناک بود بیست روز قبل ، در حالیکه ما عزادار او بودیم عمو رضای عزیز نیز ما را تنها گذاشت . اتفاق ناگهان و به سرعت رخ داد. اتومبیل را کنار خیابان پارک می کند، با اورژانس تماس می گیرد ، در بیمارستان تمام می کند، سگته قلبی) **عموی عزیز ما** با این که از مکتب دنیا به اندازه خودش داشت اما در خانه اش به روی همه با روی خوش باز بود. شاید باور نکنید اما مقصد اول تمام فامیل منزل او بود . نمی دانم چرا اما همه در منزل او احساس راحتی بیشتری می کردند. قلب مهربان و با صفایی داشت . در خانواده مهربان بود و با همسرش مهربان بود و با این که حکمت خدا بر این بود که فرزندی نداشته باشد اما همه کودکان را دوست می داشت. به همین دلیل در دل همگان جای گرفته بود. بشاش و گشاده‌رو بود، نوجوانان را احترام می کرد و به آنان شخصیت می داد. از ظواهر زندگی به دور بود. ابتدا منزلی بزرگ و پردرخت داشت اما بعدها آنرا واگذار کرد و اعتقاد داشت برای دو نفر، یک فضای کوچک هم کفایت می کند باید قلب آدم بزرگ باشد . بسیار ساده و با آرامش زندگی می کرد . به یادگیری علوم جدید علاقمند بود از کودکی یاد می آید اولین نفری بود که سال ها قبل شروع به یادگیری زبان انگلیسی نمود و شوق آموختن را در ما زنده ساخت. تلاش و کوشش راه رسم زندگی او بود و آخرین درس او نیز همین بود. خدا بیامرز دلی به وسعت دریا داشت یادش به خیر. خداوند قرین رحمتش فرماید.

هر که باشی و زهر جا برسی	آخرین منزل هستی این است
آدمی هر چه توانگر باشد	چو بدین نقطه رسد مسکین است
اندر آنجا که قضا حمله کند	چاره تسلیم و ادب تمکین است
زادن و کشتن و پنهان کردن	دهر را رسم و ره دیرین است
خرم آن کس که در این محنت‌گاه	خاطری را سبب تسکین است

درس مهمی که - اما - مرگ به من می‌دهد: این که آنچه که بیشتر سبب پشیمانی و افسوس آدم‌ها را فراهم می‌آورد، کارهایی نیست که انجام داده‌اند؛ بلکه حسرت انجام ندادن کارهایی است که دیگر هرگز نمی‌توانند انجام دهند. و ما که همیشه با او بودن را حواله به دیگر روز می‌کردیم ، ... آن روز همه خویشاوندان در خانه او بودیم...اما او نبود ، و چشم‌ها تر بود. و چقدر زود دیر می شود ، کاش هرگز منتظر یک روز خاص نبودیم .

چرا تا شکفتم

چرا تا تو را داغ بودم، نگفتم

چرا بی هوا سرد شد باد

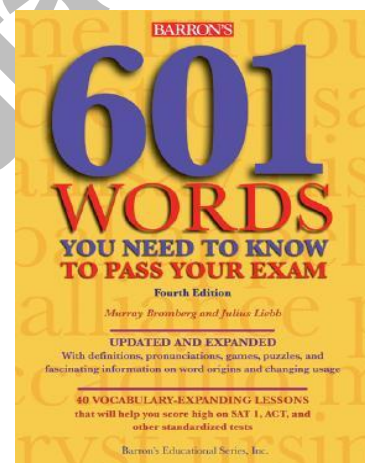
## به یاد تمام عزیزانی که از پیش ما رفتند یک حمد و سوره قرائت بفرمایید.

کتاب ۶۰۱ از جمله کتب مشهور آموزش و یادگیری لغات زبان انگلیسی می باشد. این کتاب معمولاً بعد از مطالعه و خواندن به ترتیب کتاب های ۵۰۴، **Toefl** و ۱۱۰۰ مورد مطالعه قرار می گیرد. دانشجویان رشته زبان این کتاب را یکی از سخت ترین کتاب های واژه گان و لغت می دانند. کتاب شامل ۶۰۱ واژه کاملاً ضروری، همراه با معادل های دقیق فارسی در قالب ۴۰ درس بوده و به داوطلبانی که قصد شرکت در آزمون **GRE** و ترجمه متون انگلیسی را در مقاطع پیشرفته دارند توصیه می شود. به هر جهت هر کس در آموزش زبان، یک روش را بر می گزیند. روش یادگیری لغت با معنی هم اگر در قالب جمله باشد صدالبته مفیدتر خواهد بود. این مجموعه به دو شکل تقدیم می گردد:

ابتدا کل کتاب به شکل الفبایی - سپس کل کتاب در قالب درس به درس می آید.

با احترام حسین ملاحسنی ۱۳۹۳/۲/۲۲

[Hossein\\_mollahasani@yahoo.com](mailto:Hossein_mollahasani@yahoo.com)



## 601 words you need to know

1. **aberrant:** abnormal. atypical ناهنجار
2. **abhor:** detest. hate متنفر بودن
3. **abnegation:** refusal. self-denial چشم پوشی از حقوق. فداکاری
4. **abscess:** ulcer. cyst آبسه
5. **abscond:** escape. flee فرار کردن
6. **abstract:** theoretical. imaginary انتزاعی
7. **abut:** be adjacent. adjoin مجاور بودن
8. **accolade:** praise. honor تمجید. ستایش
9. **acidulous:** sharp-tasting. sour تندمزاج
10. **acrid:** pungent. sharp تند. زننده

11. **acrophobia:** ترس از ارتفاع
12. **ad hoe:** temporary. interim ویژه. موقت
13. **adagio:** slowly آرام، رقص باله دو نفره
14. **addle:** muddle. confuse گیج کردن
15. **adjudicate:** judge. examine رسیدگی کردن. قضاوت کردن
16. **ado:** fuss. trouble هياهو. گرفتاری
17. **adonis:** آدونیس
18. **aegis:** sponsorship. protection حمایت
19. **affidavit:** استشهاد. شهادت نامه
20. **aficionado:** fan. devotee هوادار، هواخواه پروپا قرص
21. **agnostic:** unbeliever. doubter انسان ندانم گوی
22. **alchemy:** magic. chemistry کیمیاگری
23. **alienist:** روان پزشک
24. **alliteration:** تجانس اوایی
25. **alms:** denotations. charity صدقه. خیرات
26. **altercation:** quarrel. dispute مشاجره
27. **amanuensis:** secretary کاتب، منشی
28. **ambiguous:** vague. equivocal دوپهلوه. مبهم
29. **ambiguous:** vague. equivocal مبهم
30. **ambivalent:** uncertain. equivocal مردد. شکاک

31. **amicus curiae:** وکیل مشاور
32. **amorphous:** بدقواره. آشفته formless. shapeless
33. **amplitude:** گستردگی. فراوانی greatness. fullness
34. **amulet:** طلسم charm. talisman
35. **anachronism:** خطای تاریخی، مورد نابهنگام
36. **anarchy:** هرج و مرج. بی نظمی disorder. chaos
37. **anathema:** مایه تنفر. تکفیر curse. abhorrent
38. **anon:** به زودی، فوراً soon. shortly
39. **antebellum:** قبل از جنگ
40. **antediluvian:** قدیمی، کهنه prehistoric. old-fashioned
41. **anthropomorphism:** انسان گونه
42. **antic:** مسخره بازی prank. mischief
43. **aperture:** شکاف. روزنه opening. hole. gap
44. **aphasia:** زبان پریشی
45. **aphorism:** کلمات قصار. اندرز saying. maxim
46. **apocalyptic:** مصیبت بار. غیبت گویانه
47. **apocryphal:** جعلی. ساختگی fabricated. false
48. **apostate:** افراد مرتدی. برگشته dissenter. heretic
49. **apotheosis:** مظهر کمال. اوج climax. peak
50. **appellate:** استینافی

51. **arcane:** mysterious. secret فراتر از درک. مبهم
52. **archaeology:** باستان شناسی
53. **archetype:** model. prototype نمونه، نمونه نخستین
54. **argonaut:** adventurer. hero ماجراجو
55. **argot:** jargon. slang زبان ویژه
56. **arpeggio:** آرپژ
57. **arson:** fire-raising. incendiarism ایجاد حریق عمدی
58. **arteriosclerosis:** تصلب شرایین
59. **askew:** tilted. crooked کج. یکوری
60. **aspersion:** condemnation. slander هتاک. بدنام کردن
61. **assuage:** lessen. allay رفع. تسکین
62. **atavism:** نیامانندی
63. **atonement:** expiation. amends کفاره. جبران
64. **au courant:** up-to-date. modern مطلع. آگاه
65. **augury:** omen. prophecy پیشگویی
66. **authoritarian:** autocratic. dictatorial سلطه طلب، خودکامه
67. **avant-garde:** pioneering. innovative پیشرو. پیشگام
68. **avaricious:** greedy. covetous حریص
69. **awry:** crooked. tilted بدشکل. ژولیده
70. **bacchanal:** orgy. reveler میگساری

71. **badinage:** witty. batter بذله گویی. مزاح
72. **baleful:** menacing. sinister شوم
73. **bane:** scourge. destruction مایه نابودی، مایه تباہی
74. **barrio:** ghetto محله، محله اسپانیائی ها
75. **barrister:** attorney counselor. lawyer وکیل مدافع
76. **bathos:** anticlimax. triviality برانگیختن احساسات. ابتذال
77. **battery:** violence. beating ضرب و جرح
78. **bauble:** trinket. toy بدلیجات. چیز ناقابل
79. **beadle:** minor official فراش، مأموری دون پایه
80. **beguile:** decieve. entertain فریب خوردن. گذراندن وقت
81. **behemoth:** huge. enormous عظیم الجثه، هنگفت
82. **bellicose:** aggressive. belligerent پرخاش جو، ستیزه جو
83. **benediction:** blessing. bliss برکت. دعای خیر
84. **benign:** kindly. harmless خوش خیم، مهربان
85. **bequest:** legacy. inheritance میراث. ارث
86. **bestial:** savage. barbaric وحشی. حیوانی
87. **bete noire:** bugbear. pet hate بلاي جان
88. **bevy:** group. flock دسته
89. **bibliophile:** دوستدار کتاب
90. **bicameral:** دو مجلسی

91. **biennial:** دوسالانه
92. **bilious:** ناخوشايند، بداخلاق bad-tempered. irritable
93. **bilk:** كلاهبرداري. كلاه سر كسي گذاشتن deceive. swindle
94. **biopsy:** بافت برداري. بافت شناسي
95. **blasphemy:** توهين. توهين آميز curse. swearing
96. **blithe:** سرزنده. نرم و ملايم light-hearted. joyful. cheerful
97. **bombast:** گزافه گويي blaster. verbosity
98. **bon mot:** بذله گويي joke. witticism
99. **bon vivant:** خوش خوراك. خوش گذران
100. **bonanza:** منبعي غني، ثروت سرشار windfall. boon
101. **bonhomie:** خوش قلبي geniality. friendliness
102. **bourgeois:** پول پرست. بورژوا middle-class. capitalistic
103. **bovine:** گاوسان. بي احساس cowlike. stupid
104. **braggadocio:** فخر فروشي. تظاهر braggart. pretentiousness
105. **bravado:** بي باكي دروغين، شجاعت ظاهري boldness. bombast
106. **bravura:** اجراي درخشان، اجراي متهورانه brilliance. virtuosity
107. **bucolic:** روستايي rural. rustic
108. **bumptious:** متكبر arrogant. conceited
109. **bureaucracy:** كاغذ بازي اداري. دستگاه اداري red tape. administration
110. **cabal:** گروه، بادن clique. conspiracy

111. **cadaver:** نعش body.corpse
112. **calliope:** کالیوپ/نوعی ساز موسیقی
113. **camaraderie:** صمیمیت،رفاقت friendship.fellowship
114. **candor:** صداقت frankness.sincerity
115. **canon:** معیار،آثار معتبر principle.rule
116. **a capella:** آواز دسته جمعی
117. **captious:** ایرادگیر،عیب جو critical.fault-finding
118. **carcinogen:** سرطان زا
119. **cardiology:** دانش قلب شناسی
120. **careen:** تلوتلو خوردن،منحرف شدن
121. **carnivorous:** گوشت خوار
122. **cartography:** نقشه کشی،نگارش
123. **cassandra:** پیشگو foreteller.predictor
124. **caste:** طبقه rank.status
125. **catharsis:** تخلیه روانی،پالایش purgation.purification
126. **cause celebre:** پرونده جنجالی،مشاجره جنجالی
127. **caveat emptor:** خرید با مسئولیت خود مشتری،انتخاب دقیق از سوی مشتری
128. **censure:** محکوم کردن،انتقاد کردن disapproval.condemnation
129. **charlatan:** قلابی،شیاد quack.fake
130. **chary:** محتاط careful.cautious



131. **chronology:** وقایع نگاری، زمانی sequence. arrangement
132. **churlish:** گستاخ rude. impolite
133. **circumspect:** مراقب، محتاط careful. cautious
134. **clandestine:** سری concealed. secret
135. **claustrophobia:** ترس از فضاهاي محصور / تنگ
136. **codicil:** متمم وصیت نامه، وصیت نامه appendix. supplement
137. **coiffure:** آرایش مو
138. **collusion:** هم‌دستی، تباہی conspiracy. collaboration
139. **comatose:** بیهوش lethargic. unconscious
140. **complaisant:** مطیع agreeable. amenable
141. **concierge:** دربان doorkeeper. janitor
142. **conclave:** جلسه غیرعلنی private meeting. assembly
143. **condiment:** ادویه جات
144. **congenial:** خوش مشرب، اجتماعی sociable. friendly
145. **contiguous:** هم‌جوار، مجاور adjacent. touching
146. **contraband:** کالاهاي قاچاق smuggling. trafficking
147. **contralto:** "کنترالتو" زیرترین صدای مردانه
148. **contrite:** پشیمان remorseful. regretful
149. **contumacious:** خودسرانه، سرکشانه insubordinate. disobedient
150. **conundrum:** معما riddle. problem

151. **convivial:** پر نشاط، طرب انگیز friendly. sociable
152. **copious:** فراوان، زیاد abundant. large
153. **cornucopia:** منبع سرشار abundance. profusion
154. **cortege:** تشییع کنندگان، همراهان parade. entourage
155. **cosmetologist:** متخصص آرایش و زیبایی
156. **countermand:** لغو کردن revoke. cancel
157. **coup de grace:** ضربه نهایی، تیر خلاص death blow. kiss of death
158. **craven:** ترسو، بزدل cowardly. timid
159. **credo:** اعتقاد belief. trust
160. **crescendo:** اوج، اوج گرفتن
161. **crotchety:** دمدمی مزاج ill-tempered. irascible
162. **cuisine:** دست پخت cooking. cookery
163. **cul-de-sac:** بن بست، بحث نافرجام blind alley. dead end
164. **culinary:** پختنی، مربوط به آشپزخانه
165. **cupidity:** مال اندوزی، حرص و آز greed. avarice
166. **cyclopean:** بسیار بزرگ، غول آسا vast. massive. rough
167. **dalliance:** وقت گذرانی، هوس بازی flirtation
168. **de facto:** در واقع، دوفاکتو in fact. actual
169. **de rigueur:** ضروری required. necessary
170. **deboniar:** فرهیخته، جذاب sophisticated. charming

171. **decalogue:** ده فرمان
172. **decimate:** destroy. annihilate قتل عام کردن. تقلیل دادن
173. **deign:** condescend. give لایق شمردن، عنایت داشتن
174. **deist:** خداشناس طبیعی
175. **deleterious:** harmful. damaging مضر. زیان بار
176. **demagogue:** rabble-rouster. agitator عوام فریب
177. **demography:** جمعیت شناسی
178. **demonology:** دیوشناسی
179. **demure:** modest. shy کم رو
180. **denouement:** coda. end پایان
181. **deposition:** testimony. expulsion عزل. شهادت.
182. **dermatologist:** متخصص پوست
183. **desperado:** outlaw. criminal تبهکار، جانی
184. **detente:** تنش زدایی
185. **deus ex machina:** فرشته نجات
186. **dichotomy:** contrast. difference دوگانگی
187. **dilatory:** slow. tardy بازدارنده. کند
188. **dilettante:** amateur. dabbler آماتور. غیرحرفه ای
189. **dirge:** elegy lamnet سرود خاکسپاری. مرثیه
190. **disconsolate:** sad. dejected غمگین. افسرده

191. **disenfranchise:** محرومیت حقوقی محرومیت حقوقی
192. **dispassionate:** بی طرفی، بی تفاوت fair، impartial، calm
193. **diurnal:** روزانه، روزخیز، روزمره daily، everyday
194. **divertissement:** سرگرمی، نمایش diversion، amusement
195. **dogma:** عقیده، مکتب doctrine، belief
196. **dolorous:** اندوه بار، غم بار painful، mournful
197. **double-think:** دوفکری
198. **draconian:** دراکوئینی، شدید harsh، sever
199. **dudgeon:** عصبانیت، خشم resentment، anger
200. **dyspeptic:** بدبین، بداخلاق gloomy، bad-tempered
201. **eajole:** با زبان بازی راضی کردن coax، wheedle
202. **echelon:** رده، مرتبه level، rank
203. **eclat:** درخشش flair، dynamism
204. **ecology:** محیط زیست، بوم شناسی
205. **ecumenical:** جامع، همگانی universal، world-wide
206. **edacious:** بی امان، سیری ناپذیر devouring، consuming
207. **effete:** ضعیف worn out، spent
208. **eke:** زندگی را به سختی گذراندن survive
209. **elan:** سرزندگی، شور و شوق enthusiasm، energy
210. **elfin:** پری وار، پری مانند fairylike، delicate

211. **elite:** نخبه، برگزیده best.pick
212. **embezzle:** اختلاس کردن misappropriate.steal
213. **empirical:** تجربی، تجربه گرا experiential.practical
214. **endocrinology:** مطالعه غدد داخلی
215. **entomologist:** حشره شناس
216. **entrepreneur:** کارآفرین، سرمایه گذار businessman.enterpriser
217. **eon:** مدت نامتناهی، سالیان دراز
218. **ephemeral:** بی دوام، گذرا short-lived.transitory
219. **epicurean:** لذت گرا hedonistic.sensualist
220. **epidemiology:** اپیدمیولوژی
221. **epistemology:** معرفت شناسی
222. **epithet:** لقب، عنوان title.name
223. **epoch:** عصر، دوره era.age
224. **equine:** اسب، اسب مانند horse.like a horse
225. **equity:** عدالت، دارایی fairness.value
226. **erotic:** جنسی، شهوانی lewd
227. **esprit de corps:** روحیه گروهی، روحیه جمعی bond.communion
228. **ethos:** ویژگی، روح ملی character.spirit
229. **etiology:** علت شناسی
230. **euphoria:** شادمانی، سرخوشی happiness.joy

231. **euthanasia:** کشتن از روی ترحم
232. **exhume:** dig up. disinter از زیر خاک در آوردن
233. **exorcise:** expel. purify راندن. راندن ارواح شیطانی
234. **extradition:** deportation. expulsion استرداد مجرمین به دولت متبوعه
235. **extrovert:** sociable. gregarious برون گرا
236. **fait accompli:** عمل انجام شده
237. **fallacy:** misconception. misbelieve توهم. عقیده غلط
238. **falsetto:** صدای زیر
239. **feisty:** touchy. excitable پرخاشگر. زودرنج
240. **feline:** catlike. graceful گربه سان. موقر
241. **fin de siecle:** decadent مربوط به اواخر قرن نوزده. قدیمی
242. **flaccid:** weak. feeble ضعیف. آبدکی
243. **flippant:** disrespectful. saucy سرسری. گستاخانه
244. **florid:** ruddy. rosy گلگون. متکلف
245. **flotilla:** ناوگان کوچک، ناوچه
246. **fortissimo:** صدای تیز، صدای بلند
247. **francophile:** فرانسه گرایي. فرانسه دوستي
248. **froward:** contrary. willful سرکش. لجباز
249. **gainsay:** deny. disagree انکار کردن. انکار
250. **gargantuan:** huge. gigantic خیلی زیاد. غول پیکر

251. **gastronomic:** وابسته به خورد و خوراک. آشپزی
252. **gauche:** awkward. graceless ناشایسته. ناشایسته
253. **gemutlich:** agreeable. cheerful خوشایند
254. **genealogy:** ancestry. family tree شجره نامه، اصل و نسب
255. **generation:** age. breeding نسل
256. **genteel:** well-bred. refined محترمانه
257. **gerontology:** پیرشناسی
258. **gerrymander:** تقسیم ناعادلانه
259. **glabrous:** blad. smooth تاس. صاف
260. **gobbledegook:** mumbo-jumbo. nonsense زبان قلمبه سلمبه. سخن نامفهوم
261. **gorgon:** زن زشت. گورگون
262. **gossamer:** delicate. soft ظریف زیبا
263. **gourmand:** glutton. overeater پرخور
264. **grandee:** nobleman. gentleman نجیب زاده
265. **graphologist:** handwriting analyst خط شناس
266. **guffaw:** laughter. roar قهقهه
267. **guttural:** rough. harsh صدای گلویی. گوش خراش
268. **gynecology:** متخصص بیماری های زنان
269. **habeas corpus:** آزادی مشروط
270. **hacienda:** خانه اربابی

271. **harangue:** نطق غرا، رجزخواني tirade. censure

272. **harbinger:** پیام آور herald. messenger

273. **harpy:** زن درنده خو

274. **hedonism:** لذت گرايي pleasure-seeking. self-indulgence

275. **hegemony:** رهبري leadership. authority

276. **hegira:** هجرت flight. journey

277. **herculean:** توان فرسا arduous. strenuous

278. **hierarchy:** سلسله مراتب، مراتب ranking. grading

279. **hobnob:** معاشرت associate. socialize

280. **homeric:** هومرگونه، حیرت انگیز grand. imposing

281. **hustings:** مبارزات یا فعالیت‌های انتخاباتی

282. **hydra:** چندوجهی، فزاینده multifaceted. multidimensional

283. **hydrophobia:** بیماری هاری، آب هراسی rabies

284. **illusion:** توهم dream. fantasy

285. **imbroglio:** توده درهم و برهم، موقعیت دشوار predicament. confusion

286. **immaterial:** بی ارزش irrelevant. unimportant

287. **immolate:** قربانی شدن / کردن kill. sacrifice

288. **impasse:** بن بست deadlock. stalemate

289. **imperialism:** امپریالیسم، جهان خواری

290. **imperious:** متکبرانه، آمرانه overbearing. arrogant



291. **incarcerate:** محبوس کردن imprison. confine
292. **incommunicado:** ممنوع السخن. ممنوع الملاقات
293. **indeterminate:** معلق uncertain. indefinite
294. **infidel:** کافر. بی ایمان unbeliever. agnostic
295. **infinitesimal:** بسیار ریز. بسیار ناچیز minute. tiny
296. **ingenious:** مبتکر ابتکاری. inventive. resourceful
297. **ingenue:** زن یا دختر ساده
298. **injunction:** حکم رسمی. دستور command. fiat
299. **inscrutable:** اسرارآمیز. مبهم mysterious. unfathomable
300. **insouciance:** آرامش. بی تفاوتی composure. indifference
301. **internist:** متخصص داخلی
302. **intestate:** وصیت. شخص بی وصیت
303. **intractable:** لجوج. سرکش unruly. stubborn
304. **intransigent:** یکدنده. سرسخت uncompromising. inflexible
305. **iota:** ذره. سرسوزن bit. jot
306. **ipso facto:** در واقع. در حقیقت in fact. in effect
307. **iridescent:** متلون shimmering. glittering
308. **jargon:** زبان نامفهوم. زبان مخصوص slang
309. **jejune:** بی مزه. کودکانه boring. naive
310. **jingoist:** وطن پرست افراطی، شووینیست chauvinist

311. **jocund:** شاد pleasant.genial
312. **juggernaut:** ویرانگر شکست ناپذیر نیروی ویرانگر
313. **junket:** party.banquet تفریح. ضیافت
314. **junta:** cabal.clique گروه گروهک. گروه
315. **jurisprudence:** علم حقوق
316. **knell:** toll.death صدای ناقوس، مرگ
317. **a la carte:** جدا جدا. از روی صورت غذا
318. **lachrymose:** sad.tragic غم انگیز، غمگین
319. **laissez-faire:** free enterprise.free trade عدم مداخله. اقتصاد آزاد
320. **landmark:** indicator.milestone نشانه. اساسی
321. **lapidary:** گوهرشناس
322. **larceny:** theft.robbery سرقت
323. **largo:** آهسته و سنگین، لارگو
324. **lariat:** کمند
325. **leitmotif:** لایت موتیف
326. **leonine:** شیرآسا
327. **liaison:** contact.connection رابطه، رابطه
328. **libidinous:** lewd.lustful شهوت انگیز
329. **libretto:** متن اپرا
330. **licentious:** lustful.sinful.lewd شهوت انگیز. بی بندوبار

331. **lien:** حق تصرف
332. **lilliputian:** tiny.narrow-mind کوچک فکر.کوته
333. **limbo:** void.oblivion بلا تکلیف
334. **lissome:** limber.flexible چابک.انعطاف پذیر
335. **litigation:** prosecution.indictment دادخواهی.اقامه دعوا
336. **litigious:** quarrelsome.belligerent ستیزه جو.مرافعه جو
337. **loquacious:** talkative.garrulous پر حرف
338. **lothario:** seducer.lover اغوا کننده.عاشق
339. **Machiavellian:** cunning.dishonest ماکیاولی.حیله گرانه
340. **machismo:** masculinity.virility مردانگی
341. **macrocosm:** cosmos.universe جهان
342. **magnitude:** greatness.vastness وسعت.عظمت
343. **magnum opus:** masterpiece.feat شاهکار
344. **malaise:** unhappiness.discomfort احساس بد.ناراحتی
345. **malapropism:** solecism.misapplication اشتباه لپی
346. **malingerer:** layabout.shirker متمادر
347. **manana:** tomorrow فردا
348. **manna:** مائده آسمانی
349. **mantra:** ذکر
350. **martial:** military.warlike نظامی.جنگی
351. **mastectomy:** برداشتن سینه

352. **maverick:** تڪرو nonconformist
353. **megalopolis:** بزرگ شهر
354. **mellifluous:** دلنشين harmonious. dulcet
355. **mercurial:** بي ثبات. دمدمي changeable. volatile
356. **meretricious:** غلط انداز. پُر زرق و برق deceptive. alluring
357. **metaphor:** استعاره
358. **mete:** اندازه گيري کردن، در نظر گرفتن allot. allocate
359. **microcosm:** جهان کوچک. مقياس کوچک
360. **micrometer:** ريزسنج
361. **millennium:** هزاره. عصر طلايي
362. **minatory:** تهديدآمیز menacing. threatening
363. **minimize:** كو اهميت جلوه دادن. به حداقل رساندن reduce. decrease
364. **minutiae:** جزئیات ریز details. niceties
365. **misanthropy:** انسان گریز
366. **miscreant:** تبهکار villain. criminal
367. **misogyny:** زن ستیزی antifeminism
368. **moot:** بحث برانگیز debatable. controversial
369. **mot juste:** کلمات نغز. گفتار نغز
370. **muckraker:** هوجي. افشاگر

- 371.**mulct:** دزدیدن، تنبيه کردن punish.defraud
- 372.**mutable:** زودگذر، بي ثبات inconstant.changeable
- 373.**myrmidon:** فرمانبردار follower.believer
- 374.**nabob:** نواب، اعيان tycoon.millionaire
- 375.**narcissism:** خودشيفتگي self-love.egocentrism
- 376.**necrology:** فهرست، آگهي
- 377.**nemesis:** دشمن، مكافات enemy.punishment
- 378.**neurology:** عصب شناسي
- 379.**nihilism:** نهيليسم skepticism.disbelief
- 380.**nolo contendere:** عدم حضور در جايگاه
- 381.**non compos mentis:** مجنون insane.mad
- 382.**non sequitur:** حرف بي ربط، حرف بي مورد
- 383.**nonchalant:** خونسرد calm.indifferent
- 384.**noxious:** سمی poisonous.harmful
- 385.**obdurate:** سرسخت hardhearted.inflexible
- 386.**obtuse:** ابله silly.foolish
- 387.**odyssey:** مسافرت پرماجرا، سفر journey.voyage
- 388.**officious:** مداخله گر meddlesome.interfering
- 389.**oligarchy:** حكومت گروه سالاري
- 390.**olympian:** شكوهمند majestic.superior

391. **omniscient:** دانای کل همه چیزدان all-knowing, all-wise
392. **oncology:** تومورشناسی
393. **onomatopoeia:** نام آوا
394. **onus:** بار، مسئولیت task, burden
395. **ophthalmologist:** چشم پزشک
396. **oracular:** مبهم، شوم و تهدیدآمیز ambiguous, portentous, ominous
397. **ornithologist:** پرنده شناس
398. **ornithology:** پرنده شناسی
399. **osteopath:** استخوان پزشک
400. **ostracism:** طرد، طرد کردن rejection, exclusion
401. **oxymoron:** عبارت ضد و نقیض
402. **paean:** سرود، آواز hymn, eulogy
403. **palatable:** لذیذ، دلپذیر tasty, delicious
404. **palatial:** مجلل، باشکوه splendid, luxurious
405. **paleontology:** دیرینه شناسی
406. **palladium:** حافظه، محافظ safeguard, protector
407. **pallor:** رنگ پریدگی paleness, wanness
408. **palmetto:** نخل کوچک
409. **panegyric:** مدیحه، ستایش oration, eulogy
410. **panthesism:** مکتب وحدت وجود

411. **par excellence:** تمام عيار
412. **paradigm:** الگو. صيغه model. pattern
413. **paranoid:** بدبینی. سوءظن distrustful. suspicious
414. **parochial:** کوته بین. بسته restricted. provincial
415. **partisan:** چریک. متعصب biased
416. **parvenu:** نوکیسه. تازه به دوران رسیده upstart. newcomer
417. **pathology:** آسیب شناسی
418. **peccadillo:** خطای ناچیز. لغزش ناچیز lapse. misdeed
419. **pedantic:** ملانقطی. فضل فروشانه scrupulous. dogmatic
420. **penultimate:** یکی مانده به آخر next to last
421. **peonage:** بردگی
422. **peripatetic:** خانه به دوش. سیار itinerant. nomadic
423. **perjury:** شهادت دروغین
424. **perpetrator:** مرتکب committer
425. **pertinacious:** سرسخت. لجوج stubborn. unyielding
426. **pettifogger:** مغلطه گر a shyster
427. **pharyngologist:** متخصص حلق
428. **philanderer:** هوس باز playboy. womanizer
429. **philately:** تمبرشناس. تمبرشناسی
430. **philippic:** سخنرانی تند diatribe. harangue

431. **philistine:** بی فرهنگ. آدم بی فرهنگ uncultured. uncivilized

432. **phoenix:** ققنوس

433. **physiologist:** فیزیولوژی دان

434. **picayune:** کم ارزش trivial. petty

435. **piece de resistance:** خوراک اصلی. شاهکار masterpiece. feat

436. **piquant:** بامزه. مهیج exciting. stimulating

437. **plagiarism:** سرقت ادبی copying. theft

438. **plebiscite:** همه پرسی

439. **plenary:** کامل عمومی. کامل full. comprehensive

440. **plenipotentiary:** نماینده تام الختیار diplomat. envoy

441. **plumb:** پی بردن، اندازه گرفتن measure

442. **polyglot:** چند زبانه multilingual

443. **polygraph:** دروغ سنج

444. **pontifical:** متکلف ornate. stiff

445. **porcine:** خوک سان piglike

446. **portmanteau:** ترکیبی. چمدان case

447. **postprandial:** بعد از غذا

448. **pragmatism:** اصالت عمل. عمل گرایی

449. **predator:** شکارچی. فرصت طلب hunter. trapper

450. **predestination:** جبر. قضا و قدر



451. **pretentious:** گزافه گو. پر ادعا showy. pompous

452. **primeval:** کهن. اولیه primitive. ancient

453. **probation:** آزادی مشروط. آزمایشی trial period. trial

454. **procrustean:** قاطعانه، تحمیلی، drastic. serious

455. **proletariat:** طبقه کارگر. طبقه غیر مالک working-class. workers

456. **prolix:** وراج wordy. long-winded

457. **promethean:** مبتکر. خلاق. خلاقانه creative. original

458. **prosthesis:** عضو مصنوعی

459. **protean:** متغیرانه، تغییر پذیر changeable. variable

460. **protocol:** معاهده. تشریفات treaty. formalities

461. **proxy:** وکالت. جانشین substitute. deputy

462. **psychic:** فراروانشناختی supernatural. metaphysical

463. **psychopath:** بیمار روانی lunatic. madman

464. **psychotherapy:** روان درمانی

465. **puerile:** بی تجربه childish. silly

466. **purloin:** دزدیدن steal. thieve

467. **pusillanimous:** بزدل. ترسو cowardly. timid

468. **pyrrhic victory:** پیروزی بدتر از شکست

469. **quail:** خود را باختن cower. recoil

470. **quatrain:** رباعی

- 471.**qui vive:** هوشيار alert.vigilant
- 472.**quid pro quo:** جبران exchange.trade
- 473.**quiescent:** ساكت.خاموش inactive.latent
- 474.**quintessence:** نمونه بارز.بارز prototype.ideal
- 475.**quixotic:** خیالبافانه idealistic.impractical
- 476.**raison d'etre:** هدف غايي
- 477.**rapprochement:** از سر گيري روابط،آشتي
- 478.**reactionary:** مرتجع conservative.traditionalist
- 479.**recalcitrant:** سرکش unruly.uncooperative
- 480.**recession:** رکود اقتصادي.کاهش depression.decline
- 481.**refection:** تجديد قوا refreshment
- 482.**regale:** پذيرايي کردن.شادي بخشیدن entertain.delight
- 483.**regicide:** شاه کشي
- 484.**renascent:** احيا شده revived.regained
- 485.**renegade:** فراري،خائن deserter.traitor
- 486.**repartee:** حاضر جوابي.بذله گويي banter.witticism
- 487.**repast:** خوراک.وقت غذاخوري a meal.mealtime
- 488.**reprisal:** انتقام.تلافي revenge.retaliation
- 489.**resonant:** طنين انداز echoing.reverberating
- 490.**restive:** ناآرام restless.unruly

491. **ribald:** گستاخانه. رکیک coarse. irreverent
492. **rigmarole:** تشریفات. دنگ و فنگ fuss. trouble
493. **risible:** شاد. مضحک laughable. ridiculous
494. **ritual:** آیین. مراسم ceremony. rite
495. **roguish:** مودیانه. ریاکارانه dishonest. unprincipled
496. **roil:** برهم زدن، آشفتن کردن rile. agitate
497. **rubric:** توضیح. دستورالعمل instruction. direction
498. **russophobia:** متنفر بودن یا ترس از روسیه
499. **sacrilegious:** حرمت شکن. توهین آمیز blasphemous. sinful
500. **safari:** سفر. سفر شکار journey. hunting. expedition
501. **salvo:** گلوله باران، رگبار
502. **sangfroid:** خویشتن داری. خونسردی composure. equanimity
503. **sardonic:** طعنه آمیز sarcastic. ironic
504. **saturnine:** افسرده، عبوس lugubrious. gloomy
505. **saurian:** سوسمار lizard
506. **savoir faire:** آداب دانی tact. suavity
507. **schism:** اختلاف division. split
508. **schizophrenia:** روان گسیختگی
509. **scintilla:** اثر trace. iota
510. **score:** بیست سال

511. **sedulous:** سخت کوش hard-working. diligent

512. **seismology:** لرزه شناسی

513. **semantics:** معنا. معنانشناسی

514. **sententious:** موعظه گر righteous. sanctimonious

515. **serpentine:** پیچ در پیچ. حيله گرانه twisting. treacherous

516. **shamus:** کارآگاه خصوصی

517. **shunt:** تغییر مسیر دادن turn. shift

518. **siesta:** چرت نیم روزی nap. rest

519. **simian:** میمون. میمون وار

520. **simile:** تشبیه

521. **sine qua non:** جزء لاینفک. شرط اساسی

522. **sinuous:** خم پر پیچ و خم bending. wavy

523. **siren:** زن جذاب alarm. seductress

524. **sleazy:** نامرغوب. کثیف flimsy. corrupt

525. **smidgen:** خرد. ذره jot. bit

526. **socratic:** سقراطی

527. **solecism:** اشتباه دستوری، بی تربیتی mistake. error

528. **soothsayer:** پیشگو foreteller. oracle

529. **soupcon:** بسیار کم tiny. trace

530. **splenetic:** تندخو. بدخلق irritable. bad-tempered

531. **spoonerism:** جابجايي صداها، جابجايي الفاظ

532. **squib:** هجو، خبر کوتاه

533. **staccato:** مقطع، بریده بریده

534. **stygian:** دوزخي، تخطي ناپذير gloomy، inviolable

535. **sub rosa:** محرمانه secretly، confidentially

536. **subliminal:** پنهان، نیمه خود آگاه subconscious، hidden

537. **subsistence:** امرار معاش survival، living

538. **subversion:** فروپاشي، براندازي destruction، corruption

539. **suffrage:** حق رأی

540. **supercilious:** متکبر arrogant، contemptuous

541. **surrogate:** جانشين، جایگزین substitute، proxy

542. **svelte:** مودبانه، باریک، slim، suave

543. **sybarite:** خوش گذران hedonist، sensualist

544. **sycophant:** چاپلوس self-seeking، flatterer

545. **sylllogism:** قیاس

546. **tandem:** به دنبال هم، اتحاد together

547. **tantalize:** وسوسه انگیز tease، torment

548. **tautology:** تکرار

549. **tawdry:** جلف gaudy، showy

550. **teeming:** انبوه، آکنده swarming، prolific or fertile

551. **teleology:** غایت شناسی
552. **tendentious:** opinionated. biased جانب دارانه. مغرضانه
553. **tenet:** principle. belief اصل. عقیده
554. **tenuous:** unsubstantial. thin بی اساس. باریک
555. **tercentenary:** سیصد سال
556. **terminology:** phraseology. expressions کلمات فنی. اصطلاحات فنی
557. **terpsichorean:** رقصی
558. **tete-a-tete:** chat. conversation گفتگوی حضوری
559. **thaumaturgy:** magic. miracle جادو
560. **theodicy:** اعتقاد به عدالت خدایی
561. **theosophy:** حکمت الهی. عرفان
562. **therapeutic:** curative. healing شفابخش
563. **thespian:** نمایشی. هنرپیشه
564. **thrall:** slave. slavery اسیر، بردگی
565. **threnody:** dirge. lamentation مرثیه
566. **titanic:** gigantic. huge عظیم. وسیع
567. **torero:** گاوباز پیاده
568. **tort:** زیان. شبه جرم
569. **totalitarian:** tyrannical. oppressive استبدادی. دیکتاتوری
570. **tour de force:** masterpiece. master work شاهکار

571. **toxicology**: زهرشناسي
572. **transmigrate**: migrate.move تناسخ کردن. مهاجرت کردن
573. **trauma**: shock.distress لطمه روجي، آسیب روجي
574. **traverse**: pass over.inspect زیر پا گذاشتن. بدقت بررسی کردن
575. **trek**: journey حرکت. برائت
576. **tribunal**: board.court مسند قضایی
577. **triskaidekaphobia**: ترس از عدد ۱۳
578. **truculent**: fierce.cruel پرخاشگر
579. **tryst**: appointment.meeting place قرار
580. **untrammelled**: unhampered.unrestrained آزاد. مستثنا
581. **ursine**: خرس مانند
582. **utilitarian**: سودگرا. سودگرایانه
583. **vacuous**: silly.purposeless بی معنی. احمق
584. **vantal**: corrupt.dishonest رشوه خوار. پولی
585. **vasectomy**: وازکتومی
586. **vendetta**: feud.dispute خصومت، کینه توزی
587. **venomous**: poisonous.toxic بدخواهانه سمی
588. **viands**: foods.dishes غذا. خوراکی
589. **vignette**: anecdote.story حکایت. نوشته ادبی کوتاه
590. **virago**: shrew.vixen زن بداخلاق،

591. **vis-a-vis:** مقابل. متقابل opposite. opposed to
592. **vista:** چشم انداز. دورنما view. landscape
593. **vixen:** زن پرخاشگر. زن بدخواه
594. **voluptuous:** لذت بخش sensuous. hedonistic
595. **votary:** مرید. طرفدار fan. devotee
596. **vulpine:** هوشمند. روباه صفت clever
597. **waggish:** شاد. مسخره merry. playful
598. **wanderlust :** عشق مسافرت
599. **warlock :** ساحر. مرد ساحر sorcerer. conjurer
600. **wayfarer :** رهرو. مسافر traveler. wonderer
601. **xenophobia :** بیگانه گریزی. ترس از بیگانه



honaremoalemi.blogfa.com

**lothario** اغوا کننده، عاشق seducer.lover

**avaricious** حریص greedy.cavetous

**maverick** تکرو nonconformist

**baleful** شوم menacing.sinister

**nemesis** دشمن، مکافات enemy.punishment

**bellicose** پر خاش جو، ستیزه جو aggressive.belligerent

**philanderer** هوس باز playboy.womanizer

**bilious** ناخوشایند، بداخلاق bad-tempered.irritable

**philippic** سخنرانی تند diatribe.harangue

**bumptious** متکبر arrogant.conceited

**procrustean** قاطعانه، تحمیلی drastic.serious

**captious** ایر ادگیر، عیب جو critical.fault-finding

**protean** متغیرانه، تغییر پذیر changeable.variable

**churlish** گستاخ rude.impolite

**pyrrhic victory** پیروزی بدتر از شکست

**complaisant** مطیع agreeable.amenable

**quixotic** خیالیافانه idealistic.impractical

**contrite** پشیمان remorseful.regretful

**saturnine** افسرده، عبوس lugubrious.gloomy

**convivial** پر نشاط، طرب انگیز friendly.sociable

**solecism** اشتباه دستوری، بی تربیتی mistake.error

**craven** ترسو، بزدل cowardly.timid

**spoonerism** جابجایی صداها، جابجایی الفاظ

**deboniar** فر هیخته، جذاب sophisticated.charming

**sybarite** خوش گذران hedonist.sensualist

**dyspeptic** بدبین، بداخلاق gloomy.bad-tempered

**tawdry** جلف gaudy.showy

**lachrymose** غم انگیز، غمگین sad.tragic

### Neurasthenic

**cabal** گروه، بادن clique.conspiracy

**adagio** آرام، رقص باله دو نفره slowly

**camaraderie** صمیمیت، رفاقت friendship.fellowship

**arpeggio** آرپژ

**caste** طبقه rank.status

**bravura** اجرای درخشان، اجرای متهورانه brilliance.virtuosity

**clandestine** سری concealed.secret

**contralto** "کنتر التو" زیرترین صدای مردانه

**cortege** تشییع کنندگان، همراهان parade.entourage

**crescendo** اوج گرفتن

**detente** تنش زدایی

**falsetto** صدای زیر

**echelon** رده، مرتبه level.rank

**fortissimo** صدای تیز، صدای بلند

**ecumenical** همگانی، جامع universal.world-wide

**imbroglio** توده درهم و برهم، موقعیت دشوار predicament.confusion

**elite** نخبه، برگزیده best.pick

**largo** آهسته و سنگین، لارگو

<p><b>esprit de corps</b> روحیه گروهی، روحیه جمعی bond.communion</p> <p><b>genealogy</b> شجره نامه، اصل و نصب ancestry.family tree</p> <p><b>hierarchy</b> رتبه بندی، مراتب، سلسله مراتب ranking.grading</p> <p><b>hobnob</b> معاشرت associate.socialize</p> <p><b>liaison</b> رابطه، ارتباط contact.connection</p> <p><b>rapprochement</b> از سر گیری روابط، آشتی</p>	<p><b>libretto</b> متن اپرا</p> <p><b>limbo</b> بلاتکلیف void.oblivion</p> <p><b>salvo</b> گلوله باران، رگبار</p> <p><b>staccato</b> مقطع، بریده بریده</p> <p><b>vendetta</b> خصومت، کینه توزی feud.dispute</p> <p><b>virago</b> زن بداخلاق، زن بد shrew.vixen</p>
<p><b>alienist</b> روان پزشکی</p> <p><b>amanuensis</b> منشی، کاتب secretary</p> <p><b>beadle</b> فرشته، مأمور، دوند پیاده minor official</p> <p><b>charlatan</b> شیاد، تقلبی، کلاهبردار quack.fake</p> <p><b>cosmetologist</b> متخصص آرایش و زیبایی</p> <p><b>dermatologist</b> متخصص پوست</p> <p><b>entomologist</b> حشره شناس</p> <p><b>graphologist</b> خط شناس handwriting analyst</p> <p><b>internist</b> متخصص داخلی</p> <p><b>lapidary</b> گوهر شناس</p> <p><b>ophthalmologist</b> چشم پزشکی</p> <p><b>ornithologist</b> پرنده شناس</p> <p><b>osteopath</b> استخوان پزشکی</p> <p><b>pharyngologist</b> متخصص حلق</p> <p><b>physiologist</b> فیزیولوژی دان</p>	<p><b>adonis</b> آدونیس</p> <p><b>aegis</b> حمایت sponsorship.protection</p> <p><b>bacchanal</b> میگساری orgy.reveler</p> <p><b>cassandra</b> پیشگو foreteller.predictor</p> <p><b>cornucopia</b> منبع سرشار abundance.profusion</p> <p><b>cupidity</b> مال اندوزی، حرص و آز greed.avarice</p> <p><b>erotic</b> جنسی، شهوانی lewd</p> <p><b>herculean</b> توان فرسا arduous.strenuous</p> <p><b>hydra</b> چندوجهی، فزاینده multifaceted.multidimensional</p> <p><b>iridescent</b> متلون shimmering.glistening</p> <p><b>narcissism</b> خودشیفتگی self-love.egocentrism</p> <p><b>odyssey</b> سفر، مسافرت پر ماجرا، سفر journey.voyage</p> <p><b>olympian</b> شکوهمند majestic.superior</p> <p><b>palladium</b> محافظ، محافظ safeguard.protector</p> <p><b>phoenix</b> ققنوس</p>
<p><b>aberrant</b> ناهنجار abnormal.atypical</p> <p><b>anthropomorphism</b> انسان گونه</p> <p><b>archetype</b> نمونه، نمونه نخستین model.prototype</p>	<p><b>aficionado</b> هوادار، هواخواه پروپا قرص fan.devotee</p> <p><b>barrio</b> محله، محله اسپانیایی ها</p> <p><b>bonanza</b> ثروت، ثروت سرشار windfall.boon</p>

<p><b>authoritarian</b> خودکامه، سلطه طلب، autocratic.dictatorial</p> <p><b>catharsis</b> پالایش، تخلیه روانی، purgation.purification</p> <p><b>demography</b> جمعیت شناسی</p> <p><b>epidemiology</b> اپیدمیولوژی</p> <p><b>euthanasia</b> کشتن از روی ترحم</p> <p><b>extrovert</b> گرا sociable.gregarious</p> <p><b>psychis</b> فرار وانشناختی supernatural.metaphysical</p> <p><b>psychopath</b> روانی بیمار lunatic.madman</p> <p><b>psychotherapy</b> روان درمانی</p> <p><b>schizophrenia</b> روان گسیختگی</p> <p><b>subliminal</b> پنهان، نیمه خود آگاه subconscious.hidden</p> <p><b>trauma</b> لطمه روحی، آسیب روحی shock.distress</p>	<p><b>bravado</b> بی باکی دروغین، شجاعت ظاهری boldness.bombast</p> <p><b>desperado</b> تبهکار، جانی outlaw.criminal</p> <p><b>flotilla</b> ناوگان کوچک، ناوچه</p> <p><b>grandee</b> نجیب زاده nobleman.gentleman</p> <p><b>hacienda</b> خانه اربابی</p> <p><b>lariat</b> کمند</p> <p><b>machismo</b> مردانگی masculinity.virility</p> <p><b>manana</b> فردا tomorrow</p> <p><b>palmetto</b> نخل کوچک</p> <p><b>renegade</b> فراری، خائن deserter.traitor</p> <p><b>siesta</b> چرت نیم روزی nap.rest</p> <p><b>torero</b> گاوباز پیاده</p>
<p><b>anachronism</b> خطای تاریخی، مورد نابهنگام</p> <p><b>anon</b> فوراً، زود، soon.shortly</p> <p><b>antebellum</b> قبل از جنگ</p> <p><b>antediluvian</b> قدیمی، کهنه prehistoric.old-fashioned</p> <p><b>atavism</b> نیامانندی</p> <p><b>augury</b> پیشگویی omen.prophecy</p> <p><b>biennial</b> دوسالانه</p> <p><b>chronology</b> وقایع نگاری، زمانی sequence.arrangement</p> <p><b>diurnal</b> روز خیز، روزمره daily.everyday</p> <p><b>eon</b> مدت نامتناهی، سالیان دراز</p> <p><b>ephemeral</b> بی دوام، گذرا short-lived.transitory</p> <p><b>epoch</b> عصر، دوره era.age</p> <p><b>generation</b> نسل age.breeding</p>	<p><b>abut</b> مجاور بودن be adjacent.adjoin</p> <p><b>bane</b> مایه نابودی، مایه تباهی scourge.destruction</p> <p><b>deign</b> لایق شمردن، عنایت داشتن condescend.give</p> <p><b>eke</b> زندگی را به سختی گذراندن survive</p> <p><b>knell</b> صدای ناقوس، مرگ toll.death</p> <p><b>mete</b> اندازه گیری کردن، در نظر گرفتن allot.allocate</p> <p><b>moot</b> بحث برانگیز debatable.controversial</p> <p><b>mulct</b> دزدیدن، تنبیه کردن punish.defraud</p> <p><b>plumb</b> پی بردن، اندازه گرفتن measure</p> <p><b>quail</b> خود را باختن cower.recoil</p> <p><b>roil</b> برهم زدن، آشفتن کردن rile.agitate</p> <p><b>shunt</b> تغییر مسیر دادن turn.shift</p>

<p><b>score</b> بیست سال</p> <p><b>tercentenary</b> سیصد سال</p>	<p><b>svelte</b> slim.suave باریک،مودبانه</p> <p><b>thrall</b> slave.slavery اسیر،بردگی</p> <p><b>tryst</b> appointment.meeting place قرار</p>
<p><b>abscess</b> آبسه ulcer.cyst</p> <p><b>aphasia</b> زبان پریشی</p> <p><b>arteriosclerosis</b> تصلب شرایین</p> <p><b>benign</b> kindly.harmless خوش خیم،مهربان</p> <p><b>biopsy</b> بافت برداری.بافت شناسی</p> <p><b>cadaver</b> body.corpse نعش</p> <p><b>carcinogen</b> سرطان زا</p> <p><b>comatose</b> lethargic.unconscious بیهوش</p> <p><b>etiology</b> علت شناسی</p> <p><b>malingerer</b> layabout.shirker متمادر</p> <p><b>mastectomy</b> برداشتن سینه</p> <p><b>prosthesis</b> عضو مصنوعی</p> <p><b>simian</b> میمون.میمون وار</p> <p><b>therapeutic</b> curative.healing شفابخش</p> <p><b>vasectomy</b> وازکتومی</p>	<p><b>behemoth</b> huge.enormous عظیم الجثه،هنگفت</p> <p><b>bestial</b> savage.barbaric وحشی.حیوانی</p> <p><b>bovine</b> cowlike.stupid گاوسان.بی احساس</p> <p><b>carnivorous</b> گوشت خوار</p> <p><b>equine</b> horse.like a horse اسب.اسب مانند</p> <p><b>feline</b> catlike.graceful گربه سان.موقر</p> <p><b>harbinger</b> herald.messenger منادی.پیام آور</p> <p><b>leonine</b> شیرآسا</p> <p><b>porcine</b> piglike خوک سان</p> <p><b>predator</b> hunter.trapper شکارچی.فرصت طلب</p> <p><b>saurian</b> lizard سوسمار</p> <p><b>ursine</b> خرس مانند</p> <p><b>venomous</b> poisonous.toxic بدخواهانه.سمی</p> <p><b>vixen</b> زن پرخاشگر.زن بدخواه</p> <p><b>vulpine</b> clever هوشمند.روباه صفت</p>
<p><b>ambiguous</b> vague.equivocal مبهم</p> <p><b>atonement</b> expiation.amends کفاره.جبران</p> <p><b>bicameral</b> دو مجلسی</p> <p><b>decalogue</b> ده فرمان</p> <p><b>decimate</b> destroy.annihilate قتل عام کردن.تقلیل دادن</p> <p><b>dichotomy</b> contrast.difference دوگانگی</p>	<p><b>adjudicate</b> رسیدگی کردن.قضاوت کردن judge.examine</p> <p><b>appellate</b> استینافی</p> <p><b>collusion</b> conspiracy.collaboration همدستی.تبانی</p> <p><b>deposition</b> testimony.expulsion شهادت.عزل</p> <p><b>equity</b> fairness.value عدالت.دارایی</p>

<p><b>double-think</b> دوفکري</p> <p><b>millennium</b> هزاره. عصر طلايي</p> <p><b>nihilism</b> نهيلىسم skepticism.disbelief</p> <p><b>penultimate</b> يکي مانده به آخر next to last</p> <p><b>primeval</b> کهن. اوليه primitive.ancient</p> <p><b>protocol</b> معاهده. تشریفات treaty.formalities</p> <p><b>quatrain</b> رباعي</p> <p><b>quintessence</b> نمونه بارز. بارز prototype.ideal</p> <p><b>untrammelled</b> آزاد. مستثنا unhampered.unrestrained</p>	<p><b>exhume</b> از زیر خاک در آوردن dig up.disinter</p> <p><b>incommunicado</b> ممنوع السخن. ممنوع الملاقات</p> <p><b>intestate</b> وصیت. شخص بی وصیت</p> <p><b>Ipso facto</b> در واقع. در حقیقت in fact.in effect</p> <p><b>lien</b> حق تصرف</p> <p><b>litigation</b> دادخواهي. اقامه دعوا prosecution.indictment</p> <p><b>perjury</b> شهادت دروغین</p> <p><b>pettifogger</b> مغلظه گر a shyster</p> <p><b>tort</b> زیان. شبه جرم</p> <p><b>tribunal</b> مسند قضايي board.court</p>
<p><b>circumspect</b> مراقب. محتاط careful.cautious</p> <p><b>demure</b> کم رو modest.shy</p> <p><b>dispassionate</b> بی تفاوت fair.impartial.calm</p> <p><b>dolorous</b> اندوه بار. غم بار painful.mournful</p> <p><b>edacious</b> بی امان. سیري ناپذیر devouring.consuming</p> <p><b>effete</b> ضعیف worn out.spent</p> <p><b>feisty</b> پر خاشگر. زودرنج touchy.excitable</p> <p><b>flaccid</b> ضعیف. آبی weak feeble</p> <p><b>flippant</b> سرسري. گستاخانه disrespectful.saucy</p> <p><b>florid</b> گلگون. متکلف ruddy.rosy</p> <p><b>glabrous</b> تاس. صاف blad.smooth</p> <p><b>imperious</b> متکبرانه. آمرانه overbearing.arrogant</p> <p><b>ingenious</b> مبتکر. ایتکاری inventive.resourceful</p>	<p><b>alchemy</b> کیمیاگری magic.chemistry</p> <p><b>arcane</b> مبهم فراتر از درک mysterious.secret</p> <p><b>conundrum</b> معما riddle.problem</p> <p><b>demonology</b> دیوشناسی</p> <p><b>exorcise</b> راندن ارواح شیطانی expel.purify</p> <p><b>illusion</b> توهم dream.fantasy</p> <p><b>inscrutable</b> اسرار آمیز. مبهم mysterious.unfathomable</p> <p><b>pallor</b> رنگ پریدگی paleness.waness</p> <p><b>polygraph</b> دروغ سنج</p> <p><b>purloin</b> دزدیدن steal.thieve</p> <p><b>ritual</b> آیین. مراسم ceremony.rite</p> <p><b>shamus</b> کار آگاه خصوصی</p> <p><b>soothsayer</b> پیشگو foreteller.oracle</p>

<p><b>intractable</b> لجاج سرکش unruly.stubborn</p> <p><b>intransigent</b> یکدنده سرسخت</p> <p><b>uncompromising.inflexible</b></p>	<p><b>thaumaturgy</b> جادو magic.miracle</p> <p><b>warlock</b> ساحر.مرد ساحر sorcerer.conjurer</p>
<p><b>amplitude</b> فراوانی greatness.fullness</p> <p><b>awry</b> بدشکل.ژولیده crooked.tilted</p> <p><b>elfin</b> پری وار.پری مانند fairylike.delicate</p> <p><b>infinitesimal</b> بسیار ریز.بسیار ناچیز minute.tiny</p> <p><b>lilliputian</b> کوچک tiny.narrow-mined</p> <p><b>megalopolis</b> بزرگ شهر</p> <p>minimize کو اهمیت جلوه دادن به حداقل رساندن reduce.decrease</p> <p><b>minutiate</b> ریز جزئیات details.niceties</p> <p><b>palatial</b> باشکوه مجلل splendid.luxurious</p> <p><b>peccadillo</b> خطای ناچیز.لغزش ناچیز lapse.misdeed</p> <p><b>picayune</b> کم ارزش trivial.petty</p> <p><b>soupcon</b> کم بسیار tiny.trace</p> <p><b>teeming</b> انبوه.آکنده swarming.prolific or fertile</p> <p><b>titanic</b> عظیم.وسیع gigantic.huge</p> <p><b>vista</b> چشم انداز.دورنما view.landscape</p>	<p><b>accolade</b> تمجید.ستایش praise.honor</p> <p><b>conclave</b> جلسه غیر علنی private meeting.assembly</p> <p><b>dirge</b> مرثیه سرود خاکسپاری elegya lamnet</p> <p><b>draconian</b> شدید در اکوئی harsh.sever</p> <p><b>epicurean</b> لذت لذت گرا hedonistic.sensualist</p> <p><b>gossamer</b> ظریف زیبا delicate.soft</p> <p><b>immolate</b> کربانی شدن/کردن kill.sacrifice</p> <p><b>juggernaut</b> ویرانگر شکست ناپذیر نیروی ویرانگر</p> <p><b>junket</b> تفریح ضیافت party.banquet</p> <p><b>ostracism</b> طرد کردن rejection.exclusion</p> <p><b>proletariat</b> طبقه کارگر.طبقه غیر مالک working-class.workers</p> <p><b>rigmarole</b> تشریفات.دنگ و فنگ fuss.trouble</p> <p><b>rubric</b> دستورالعمل توضیح instruction.direction</p> <p><b>socratic</b> سقراطی</p> <p><b>sycophant</b> چاپلوس self-seeking.flatterer</p>
<p><b>abhor</b> متنفر بودن detest.hate</p> <p><b>acrophobia</b> ترس از ارتفاع</p> <p><b>anathema</b> مایه تنفر.تکفیر curse.abhorrent</p> <p><b>bibliophile</b> دوستدار کتاب</p> <p><b>claustrophobia</b> ترس از فضاها یا محصور/تنگ</p> <p><b>francophile</b> فرانسه گرای.فرانسه دوستی</p>	<p><b>archaeology</b> باستان شناسی</p> <p><b>cardiology</b> دانش قلب شناسی</p> <p><b>ecology</b> محیط زیست.بوم شناسی</p> <p><b>endocrinology</b> مطالعه غدد داخلی</p> <p><b>gerontology</b> پیرشناسی</p> <p><b>gynecology</b> متخصص بیماری های زنان</p>

<p><b>hydrophobia</b> آب هراسي. rabies بيماري هاري.</p> <p><b>misanthropy</b> انسان گريز</p> <p><b>misogyny</b> زن ستيزي antifeminism</p> <p><b>paranoid</b> سوءظن distrustful.suspicious بدبيني.</p> <p><b>philately</b> تمبر شناسي تمبر شناسي</p> <p><b>philistine</b> uncultured.uncivilized بي فرهنگ. آدم بي فرهنگ</p> <p><b>russophobia</b> متنفر بودن يا ترس از روسيه</p> <p><b>triskaidekaphobia</b> ترس از عدد ۱۳</p> <p><b>xenophobia</b> بيگانه گريزي. ترس از بيگانه</p>	<p><b>necrology</b> فهرست. آگهي</p> <p><b>neurology</b> عصب شناسي</p> <p><b>oncology</b> تومور شناسي</p> <p><b>paleontology</b> ديرينه شناسي</p> <p><b>pathology</b> آسيب شناسي</p> <p><b>seismology</b> لرزه شناسي</p> <p><b>tautology</b> تکرار</p> <p><b>terminology</b> phraseology.expressions کلمات فني. اصطلاحات فني</p> <p><b>toxicology</b> زهر شناسي</p>
<p><b>dilettante</b> آماتور. غير حرفه اي amateur.dabbler</p> <p><b>jejune</b> بيهوده. کودکانه boring.naive</p> <p><b>libidinous</b> شهوت انگيز lewd.lustful</p> <p><b>licentious</b> شهوت انگيز. بي بندوبار lustful.sinful.lewd</p> <p><b>mercurial</b> changeable.volatility بي ثبات. دمدمي</p> <p><b>meretricious</b> deceptive.alluring غلط انداز. پير زرق و برق</p> <p><b>minatory</b> menacing.threatening تهديد اميز</p> <p><b>mutable</b> inconstant.changeable زودگذر. بي ثبات</p> <p><b>nonchalant</b> calm.indifferent خونسرد</p> <p><b>noxious</b> poisonous.harmful سمی</p> <p><b>obdurate</b> hardhearted.inflexible سرسخت</p> <p><b>obtuse</b> silly.foolish ابله</p> <p><b>officious</b> meddling.interfering مداخله گر</p> <p><b>omniscient</b> all-knowing.all-wise داناي کليمه چيزدان</p> <p><b>pusillanimous</b> cowardly.timid بزدل. ترسو</p>	<p><b>amicus curiae</b> وکیل مشاور</p> <p><b>arson</b> fire-raising.incendiarism ايجاد حريق عمدي</p> <p><b>barrister</b> attorney counselor.lawyer وکیل مدافع</p> <p><b>embezzle</b> misappropriate.steal اختلاس کردن</p> <p><b>extradition</b> deportation.expulsion استرداد مجرمين به دولت متبوعه</p> <p><b>habeas corpus</b> آزادي مشروط</p> <p><b>immaterial</b> irrelevant.unimportant بي ارزش</p> <p><b>incarcerate</b> imprison.confine محبوس کردن</p> <p><b>indeterminate</b> uncertain.indefinite معلق</p> <p><b>larceny</b> theft.robbery سرقت</p> <p><b>litigious</b> quarrelsome.belligerent ستيزه جو. مرافعه جو</p> <p><b>miscreant</b> villain.criminal تبهکار</p> <p><b>perpetrator</b> committer مرتكب</p> <p><b>plagiarism</b> copying.theft سرقت ادبي</p> <p><b>probation</b> trial period.trial آزادي مشروط. آزادي مشروطي.</p>



<p><b>avant-garde</b> پیشرو.پیشگام pioneering.innovative</p> <p><b>bete noire</b> جان بلاي bugbear.pet hate</p> <p><b>bon mot</b> بذله گویی joke.witticism</p> <p><b>coup de grace</b> تیر خلاص death blow.kiss of death</p> <p><b>cul-de-sac</b> نافرجام blind alley.dead end</p> <p><b>deus ex machina</b> فرشته نجات</p> <p><b>fait accompli</b> عمل انجام شده</p> <p><b>fin de siecle</b> مربوط به اواخر قرن نوزده.قدیمی decadent</p> <p><b>gauche</b> ناشیانه.ناشایست awkward.graceless</p> <p><b>junta</b> گروه.گروه cabal.clique</p> <p><b>laissez-faire</b> عدم مداخله.اقتصاد آزاد free enterprise.free trade</p> <p><b>mot juste</b> کلمات نغز.گفتار نغز</p> <p><b>non compos mentis</b> مجنون insane.mad</p> <p><b>non sequitur</b> حرف بی ربط.حرف بی مورد</p> <p><b>sine qua non</b> جزء لاینفک.شرط اساسی</p>	<p><b>au courant</b> مطلع.آگاه up-to-date.modern</p> <p><b>coiffure</b> آرایش مو</p> <p><b>denouement</b> پایان coda.end</p> <p><b>de rigueur</b> ضروری required.necessary</p> <p><b>eclat</b> درخشش flair.dynamism</p> <p><b>elan</b> سرزندگی.شور و شوق enthusiasm.energy</p> <p><b>entrepreneur</b> کارآفرین.سرمایه گذار businessman.enterpriser</p> <p><b>impasse</b> بن بست deadlock.stalemate</p> <p><b>ingenue</b> زن یا دختر ساده</p> <p><b>malaise</b> احساس بد.ناراحتی unhappiness.discomfort</p> <p><b>repartee</b> حاضر جوابی.بذله گویی banter.witticism</p> <p><b>sangfroid</b> خونسردی composureequanimity</p> <p><b>tete-a-tete</b> گفتگوی حضوری chatconversation</p> <p><b>tour de force</b> شاهکار masterpiece.master work</p> <p><b>vignette</b> حکایت.نوشته ادبی کوتاه anecdote.story</p>
<p><b>acrid</b> تند.زنده pungent.sharp</p> <p><b>addle</b> گیج کردن muddle.confuse</p> <p><b>ado</b> هیاهو.گرفتاری fuss.trouble</p> <p><b>alms</b> صدقه.خیرات denotations.charity</p> <p><b>amulet</b> طلسم charm.talisman</p> <p><b>aperture</b> شکاف.روزنه opening.hole.gap</p> <p><b>askew</b> کج.یکوری tilted.crooked</p> <p><b>bauble</b> چیز ناقابل.چیز بدلیجات trinket.toy</p> <p><b>bevy</b> دسته group.flock</p> <p><b>bilk</b> کلاهبرداری.کلاه سر کسی گذاشتن deceive.swindle</p>	<p><b>argonaut</b> ماجراجو adventurer.hero</p> <p><b>calliope</b> کالیوپ/نوعی ساز موسیقی</p> <p><b>cyclopean</b> بسیار بزرگ.غول آسا vast.massive.rough</p> <p><b>gorgon</b> زن زشت.گورگون</p> <p><b>harpy</b> زن درنده خو</p> <p><b>homerich</b> هومرگونه.حیرت انگیز grand.imposing</p> <p><b>myrmidon</b> فرمانبردار follower.believer</p> <p><b>oracular</b> مبهم.شوم و تهدیدآمیز ambiguous.portentous.ominous</p> <p><b>paean</b> سرود.آواز hymn.eulogy</p> <p><b>promethean</b> خلاق.خلاقانه creative.original</p>

<p><b>blithe</b> ملایم و سرزنده. نرم و ملایم light-hearted. joyful. cheerful</p> <p><b>careen</b> تلوتلو خوردن. منحرف شدن</p> <p><b>chary</b> محتاط careful. cautious</p> <p><b>nabob</b> اعیان. نواب tycoon. millionaire</p> <p><b>onus</b> بار. مسئولیت task. burden</p>	<p><b>siren</b> زن جذاب alarm. seductress</p> <p><b>stygian</b> ناپذیر gloomy. inviolable</p> <p><b>tantalize</b> وسوسه انگیز tease. torment</p> <p><b>terpsichorean</b> رقصی</p> <p><b>thespian</b> نمایشی. هنرپیشه</p>
<p><b>pedantic</b> فضل فروشانه scrupulous. dogmatic</p> <p><b>pertinacious</b> سرسخت. لجوج stubborn. unyielding</p> <p><b>pontifical</b> متکلف ornate. stiff</p> <p><b>pretentious</b> پر ادعا showy. pompous</p> <p><b>prolix</b> وراج wordy. long-winded</p> <p><b>puerile</b> بی تجربه childish. silly</p> <p><b>quiescent</b> ساکت. خاموش inactive. latent</p> <p><b>recalcitrant</b> سرکش unruly. uncooperative</p> <p><b>restive</b> نا آرام restless. unruly</p> <p><b>ribald</b> رکیک coarse. irreverent</p> <p><b>sardonic</b> طعنه آمیز sarcastic. ironic</p> <p><b>sedulous</b> سخت کوش hard-working. diligent</p> <p><b>sleazy</b> نامرغوب flimsy. corrupt</p> <p><b>supercilious</b> متکبر arrogant. contemptuous</p> <p><b>voluptuous</b> لذت بخش sensuous. hedonistic</p>	<p><b>a capella</b> آواز دسته جمعی</p> <p><b>ad hoc</b> ویژه. موقت temporary. interim</p> <p><b>bon vivant</b> خوش خوراک خوش گذران</p> <p><b>de facto</b> در واقع. دوفاکتو in fact. actual</p> <p><b>gemutlich</b> خوشایند agreeable. cheerful</p> <p><b>leitmotif</b> لایت موتیف</p> <p><b>nolo contendere</b> عدم حضور در جایگاه</p> <p><b>par excellence</b> تمام عیار</p> <p><b>parvenu</b> نوکیسه. تازه به دوران رسیده upstart. newcomer</p> <p><b>piece de resistance</b> خوراک اصلی. شاهکار masterpiece. feat</p> <p><b>postprandial</b> بعد از غذا</p> <p><b>quid pro quo</b> جبران exchange. trade</p> <p><b>qui vive</b> هوشیار alert. vigilant</p> <p><b>savoir faire</b> آداب دانی tact. suavity</p> <p><b>sub rosa</b> محرمانه secretly. confidentially</p> <p><b>vis-a-vis</b> مقابل. متقابل opposite. opposed to</p>
<p><b>ambivalent</b> مردد. شکاک uncertain. equivocal</p> <p><b>bucolic</b> روستایی rural. rustic</p> <p><b>crotchety</b> مزاج دمدمی ill-tempered. irascible</p> <p><b>dilatory</b> بازدارنده. کند slow. tardy</p>	<p><b>amorphous</b> بدقواره. آشفته formless. shapeless</p> <p><b>copious</b> فراوان abundant. large</p> <p><b>gargantuan</b> خیلی زیاد. غول پیکر huge. gigantic</p> <p><b>iota</b> ذره. سر سوزن bit. jot</p>

<p><b>disconsolate</b> افسرده غمگین sad.dejected</p> <p><b>dudgeon</b> عصبانیت.خشم resentment.anger</p> <p><b>froward</b> لجباز سرکش contrary.willful</p> <p><b>genteel</b> محترمانه well-bred.refined</p> <p><b>jocund</b> شاد pleasant.genial</p> <p><b>loquacious</b> پر حرف talkative.garrulous</p> <p><b>splenetic</b> بدخلق.تندخو irritable.bad-tempered</p> <p><b>tendentious</b> جانب دارانه.مغرضانه opinionated.biased</p> <p><b>truculent</b> پرخاشگر fierce.cruel</p> <p><b>vacuous</b> بی معنی.احمق silly.purposeless</p> <p><b>vantal</b> رشوه خوار.پولی corrupt.dishonest</p>	<p><b>lissome</b> چابک.انعطاف پذیر limber.flexible</p> <p><b>macrocosm</b> جهان cosmos.universe</p> <p><b>magnitude</b> وسعت.عظمت greatness.vastness</p> <p><b>magnum opus</b> شاهکار masterpiece.feat</p> <p><b>microcosm</b> جهان کوچک.مقیاس کوچک</p> <p><b>micrometer</b> ریزسنج</p> <p><b>scintilla</b> اثر trace.iota</p> <p><b>serpentine</b> پیچ در پیچ.حیله گرانه twisting.treacherous</p> <p><b>sinuous</b> خم و پیچ bending.wavy</p> <p><b>smidgen</b> خرد.ذره jot.bit</p> <p><b>tenuous</b> بی اساس.باریک unsubstantial.thin</p>
<p><b>abstract</b> انتزاعی theoretical.imaginary</p> <p><b>alliteration</b> تجانس اوایی</p> <p><b>ambiguous</b> دوپهلو.مبهم vague.equivocal</p> <p><b>bathos</b> ابتذال برانگیختن احساسات.انتقال anticlimax.triviality</p> <p><b>epithet</b> لقب عنوان title.name</p> <p><b>malapropism</b> اشتباه لپی solecism.misapplication</p> <p><b>metaphor</b> استعاره</p> <p><b>onomatopoeia</b> نام آوا</p> <p><b>oxymoron</b> عبارت ضد و نقیض</p> <p><b>panegyric</b> مدیحه.ستایش oration.eulogy</p> <p><b>paradigm</b> الگو.صیغه model.pattern</p> <p><b>polyglot</b> چند زبانه multilingual</p> <p><b>semantics</b> معنا.معناشناسی</p>	<p><b>argot</b> زبان ویژه jargon.slang</p> <p><b>aspersion</b> هتاک.بدنام کردن condemnation.slander</p> <p><b>badinage</b> مزاح بذرله گویی witty.batter</p> <p><b>bombast</b> گزافه گویی blaster.verbosity</p> <p><b>braggadocio</b> فخر فروشی.تظاهر braggart.pretentiousness</p> <p><b>censure</b> محکوم کردن.انتقاد کردن disapproval.condemnation</p> <p><b>countermand</b> لغو کردن revoke.cancel</p> <p><b>gainsay</b> انکار کردن deny.disagree</p> <p><b>gobbledegook</b> سخن نامفهوم.سخن قلمبه سلمیه mumbo-jumbo.nonsense</p> <p><b>guttural</b> صدای گلویی.گوش خراش rough.harsh</p> <p><b>harangue</b> نطق غرا.رجزخوانی tirade.censure</p> <p><b>jargon</b> زبان نامفهوم.زبان مخصوص slang</p> <p><b>mellifluous</b> دلنشین harmonious.dulcet</p> <p><b>resonant</b> طنین انداز echoing.reverberating</p>

<p><b>simile</b> تشبیه</p> <p><b>threnody</b> مرثیه dirge.lamentation</p>	<p><b>sententious</b> مو عظه گر righteous.sanctimonious</p>
<p><b>canon</b> معیار آثار معتبر principle.rule</p> <p><b>hegemony</b> رهبری leadership.authority</p> <p><b>oligarchy</b> حکومت گروه سالاری</p> <p><b>peonage</b> بردگی</p> <p><b>plebiscite</b> همه پرسی</p> <p><b>plenary</b> کامل عمومی full.comprehensive</p> <p><b>plenipotentiary</b> نماینده تام اختیار diplomat.envoy</p> <p><b>proxy</b> وکالت جانشین substitute.deputy</p> <p><b>recession</b> رکود اقتصادی کاهش depression.decline</p> <p><b>regicide</b> شاه کشی</p> <p><b>renascent</b> احیا شده revived.regained</p> <p><b>reprisal</b> انتقام تلافی revenge.retaliation</p> <p><b>subversion</b> فروپاشی براندازی destruction.corruption</p> <p><b>surrogate</b> جایگزین جانشین substitute.proxy</p> <p><b>votary</b> مرید طرفدار fan.devotee</p>	<p><b>cartography</b> نقشه کشی نگارش</p> <p><b>concierge</b> دربان doorkeeper.janitor</p> <p><b>hegira</b> هجرت flight.journey</p> <p><b>hustings</b> مبارزات یا فعالیتهای انتخاباتی</p> <p><b>landmark</b> نشانه اساسی indicator.milestone</p> <p><b>parochial</b> کوتاه بین بسته restricted.provincial</p> <p><b>peripatetic</b> خانه به دوش سیار itinerant.nomadic</p> <p><b>portmanteau</b> چمدان ترکیبی case</p> <p><b>safari</b> سفر شکار journey.hunting.expedition</p> <p><b>tandem</b> به دنبال هم اتحاد together</p> <p><b>transmigrate</b> تناسخ کردن مهاجرت کردن migrate.move</p> <p><b>traverse</b> زیر پا گذاشتن بدقت بررسی کردن pass over.inspect</p> <p><b>trek</b> حرکت برائت journey</p> <p><b>wanderlust</b> عشق مسافرت</p> <p><b>wayfarer</b> رهرو مسافر traveler.wonderer</p>
<p><b>a la carte</b> جدا جدا از روی صورت غذا</p> <p><b>assuage</b> رفع تسکین lessen.allay</p> <p><b>condiment</b> ادویه جات</p> <p><b>cuisine</b> دست پخت cooking.cookery</p> <p><b>culinary</b> پختنی مربوط به آشپزخانه</p> <p><b>deleterious</b> مضر زیان بار harmful.damaging</p> <p><b>gastronomic</b> وابسته به خورد و خوراک آشپزی</p>	<p><b>antic</b> مسخره بازی prank.mischief</p> <p><b>beguile</b> فریب خوردن گذراندن وقت decieve.entertain</p> <p><b>bonhomic</b> خوش قلبی geniality.friendliness</p> <p><b>eajole</b> با زبان بازی راضی کردن coax.wheedle</p> <p><b>congenial</b> خوش مشرب اجتماعی sociable.friendly</p> <p><b>dalliance</b> وقت گذرانی هوس بازی flirtation</p> <p><b>divertissement</b> سرگرمی نمایش</p>

<p><b>gourmand</b> پر خور glutton.overeater</p> <p><b>manna</b> مائده آسماني</p> <p><b>palatable</b> لذیذ.دلپذیر tasty.delicious</p> <p><b>piquant</b> بامزه.مهيج exciting.stimulating</p> <p><b>refection</b> تجدید قوا refreshment</p> <p><b>repast</b> خوراک.وقت غذاخوری a meal.mealtime</p> <p><b>subsistence</b> امرار معاش survival.living</p> <p><b>viands</b> خوراکی foods.dishes</p>	<p>diversion.amusement</p> <p><b>euphoria</b> شادمانی.سر خوشی happiness.joy</p> <p><b>guffaw</b> قهقهه laughter.roar</p> <p><b>insouciance</b> بی تفاوتی آرامش.بی تفاوتی composure.indifference</p> <p><b>regale</b> پذیرایی کردن.شادی بخشیدن entertain.delight</p> <p><b>risible</b> شاد.مضحک laughable.ridiculous</p> <p><b>roguish</b> موذیانہ.ریاکارانہ dishonest.unprincipled</p> <p><b>squib</b> هجو.خبر کوتاه</p> <p><b>waggish</b> شاد.مسخره merry.playful</p>
<p><b>anarchy</b> هرج و مرج.بی نظمی disorder.chaos</p> <p><b>bourgeois</b> پول پرست.بورژوا middle-class.capitalistic</p> <p><b>bureaucracy</b> دستگاه اداری.کاغذ بازی اداری red tape.administration</p> <p><b>demagogue</b> عوام فریب rabble-rouster.agitator</p> <p><b>ethos</b> ویژگی.روح ملی character.spirit</p> <p><b>gerrymander</b> تقسیم ناعادلانه</p> <p><b>imperialism</b> امپریالیسم.جهان خواری</p> <p><b>Machiavellian</b> حیله گرانه cunning.dishonest</p> <p><b>martial</b> نظامی.جنگی military.warlike</p> <p><b>muckraker</b> افشاگر</p> <p><b>partisan</b> چریک.متعصب biased</p> <p><b>reactionary</b> مرتجع conservative.traditionalist</p> <p><b>schism</b> اختلاف division.split</p> <p><b>suffrage</b> حق رأی</p> <p><b>totalitarian</b> دیکتاتوری tyrannical.oppressive</p>	<p><b>abnegation</b> چشم پوشی از حقوق.فداکاری refusal.self-denial</p> <p><b>abscond</b> فرار کردن escape.flee</p> <p><b>affidavit</b> استنهاد.شهادت نامه</p> <p><b>altercation</b> مشاجره quarrel.dispute</p> <p><b>battery</b> ضرب و جرح violence.beating</p> <p><b>bequest</b> میراث.ارث legacy.inheritance</p> <p><b>cause celebre</b> پرونده جنجالی.مشاجره جنجالی</p> <p><b>caveat emptor</b> خرید با مسئولیت خود مشتری.انتخاب دقیق از سوی مشتری</p> <p><b>codicil</b> متمم وصیت نامه.وصیت نامه appendix.supplement</p> <p><b>contiguous</b> همجوار.مجاور adjacent.touching</p> <p><b>contraband</b> قاچاق کالاها smuggling.trafficking</p> <p><b>contumacious</b> خودسرانه.سرکشانه insubordinate.disobedient</p> <p><b>disenfranchise</b> محرومیت حقوقی</p> <p><b>injunction</b> حکم رسمی.دستور command.fiat</p> <p><b>jurisprudence</b> علم حقوق</p>

**aphorism** کلمات قصار. اندرز saying.maxim

**candor** صداقت frankness.sincerity

**credo** اعتقاد belief.trust

**dogma** عقیده. مکتب doctrine.belief

**empirical** تجربی. تجربه گرا experiential.practical

**epistemology** معرفت شناسی

**fallacy** غلط عقیده. توهم misconception.misbelieve

**hedonism** لذت گرایي pleasure-seeking.self-indulgence

**pragmatism** اصالت عمل. عمل گرایي

**predestination** جبر. قضا و قدر

**syllogism** قیاس

**teleology** غایت شناسی

**tenet** عقیده. اصل principle.belief

**theosophy** حکمت الهی. عرفان

**utilitarian** سودگرا. سودگرایانه

**agnostic** انسان ندانم گوی unbeliever.doubter

**apocalyptic** مصیبت بار. غیبت گویانه

**apocryphal** جعلی. ساختگی fabricated.false

**apostate** برگشته افراد مرتدی dissenter.heretic

**apotheosis** اوج مظهر کمال. اوج climax.peak

**benediction** برکت. دعای خیر blessing.bliss

**blasphemy** توهین. توهین آمیز curse.swearing

**deist** خداشناس طبیعی

**infidel** کافر. بی ایمان unbeliever.agnostic

**mantra** ذکر

**ornithology** پرند شناسی

**panthesism** مکتب وحدت وجود

**raison d'etre** هدف غایی

**sacrilegious** حرمت شکن. توهین آمیز blasphemous.sinful

**theodicy** اعتقاد به عدالت خدایی